

مقام حسین بن علی علیه السلام در تفسیر و تأویل آیات قرآن کریم از دیدگاه تفاسیر فریقین

دکتر طاهره محسنی^۱

دکتر خدیجه احمدی بیفش^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۲

چکیده

قرآن، کتاب انسان‌سازی است که انسان‌ها را به سوی سعادت و کمال هدایت می‌کند. حسین علیه السلام عدل و شریک قرآن است. این شراکت او با قرآن را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث ثقلین تبیین نموده‌اند. کتاب قرآن، صامت است و امام، قرآن ناطق. حسین بن علی علیه السلام به جهت ویژگی‌های خاصی که میان دیگر معصومان علیهم السلام داراست، مورد توجه ویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام بوده است. در پژوهش حاضر می‌کوشیم به این پرسش پاسخ دهیم که دیدگاه‌های مفسران فریقین درباره منزلت امام حسین علیه السلام در قرآن و نقش آن در اربعین حسینی چیست؟ بررسی تحلیل آیات متعددی در قرآن کریم حاکی از آن است که بسیاری از آیات این کتاب الهی، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم و با بیان تفسیر یا تأویل، در شأن و منزلت سیدالشهدا علیه السلام نازل و مورد توجه مفسران

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه امام صادق علیه السلام (t.mohseni@isu.ac.ir)

۲. استادیار پژوهشکده بین‌المللی عروة الوثقی (Kh.ahmadi3103@yahoo.com)

فریقین قرار گرفته و جایگاه والای ایشان را در این منابع اصیل
اسلامی تبیین می‌نمایید.
کلیدواژگان: امام حسین علیه السلام، تفسیر، تأویل، تفاسیر، فریقین.

مقدمه

قرآن کتاب هدایت است و هدایت فرع بر فهم قرآن است. قرآن وظیفه تفسیر و تبیین معارف قرآنی را بر عهده پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده است و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اهل بیت علیهم السلام را در کنار قرآن قرار داده و بیانات آنان را نیز مفسر و مبین معارف قرآنی بیان نموده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث شریف ثقلین دو چیز گران بها را میان مردم به ودیعه گذاشت: یکی قرآن و دیگری اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که به قرآن، ثقل اکبر و به اهل بیت علیهم السلام، ثقل اصغر اطلاق شده است. امام حسین علیه السلام که یکی از اهل بیت و پنجمین آل عبا علیهم السلام است، به جهت ویژگی خاصی که بین دیگر بزرگان معصوم دارند و مورد توجه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و مسلمانان بوده و آیاتی در شأن و منزلت آن حضرت نازل شده است که مورد توجه مفسرین شیعه و اهل سنت قرار گرفته است. حسین علیه السلام مظهر کلمات تامه پروردگار است. در تلاش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام برای توجه دادن امت اسلامی به حسین علیه السلام راز و اسراری نهفته است. یکی از مهم‌ترین اسرار این که ایشان پر فروغ‌ترین مظهر پروردگار در زمین و آسمان است. بر این اساس چگونه قابل تصور است که نشان آن حضرت در آیات کتاب الهی؛ یعنی قرآن حکیم نیامده باشد؟ سنت حفظ قرآن «أَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹) اقتضا می‌کند که نام حسین علیه السلام به صراحت و به نص در قرآن نیاید، چرا که در این صورت، این دسته از آیات را مانند خود حسین علیه السلام با شمشیر نیرنگ از میان برمی‌داشتند و قرآن را بر نیزه تحریف می‌کردند، چنان که کلمات صریح و نص پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امام حسین علیه السلام زیر پا گذاشته شد و کتمان گردد. بنابراین نام و نشان حسین علیه السلام در باطن آیات متعدد قرآن آمده و توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام تفسیر و تأویل شده است. به گونه‌ای که ۱۲۸ تا ۲۵۰ آیه را بیان داشته‌اند که آشکارا و یا با تأویل و تفسیر بر حسین بن علی علیه السلام تطبیق شده است. به همین دلیل و با توجه به



اهمیت معرفی حضرت حسین علیه السلام، مفسران فریقین از این مسئله مهم غافل نبوده و در تفاسیر خود بدان پرداخته‌اند. در این تحقیق نیز آیاتی که اشاره به وجود مقدس حضرت حسین علیه السلام و جایگاه ایشان در آیات متعدد قرآن کریم را از دیدگاه مفسران فریقین بیان داشته‌اند، پرداخته شده است.

۱. ولادت امام حسین علیه السلام

در باب ولادت حسین بن علی علیه السلام اقوال مختلفی وجود دارد. برخی از مورخان آن را در روز سه‌شنبه یا پنج‌شنبه، سوم یا پنجم ماه شعبان و گروهی آن را در آخرین روز ربیع‌الاول سال سوم هجری نقل کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۶: ۳۰۷) برخی دیگر ولادت آن حضرت را در روز سوم یا پنجم ماه شعبان سال چهارم هجری (شوشتری، ۱۴۰۹: ۴؛ عکبری بغدادی، ۱۴۲۶: ۲۷؛ حموی، ۱۳۶۳: ۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۱؛ طبری، ۱۳۷۶: ۱۶۶؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۰۴). از پیامبر صلی الله علیه و آله در این باب در مجامع حدیثی اهل سنت، روایات بسیاری وارد شده است که همه آن‌ها بیانگر عظمت و شخصیت والای حسین علیه السلام هستند و این‌که آن حضرت همواره مورد توجه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بوده تا جایی که می‌فرماید:

الوالد ریحانة وریحانتای الحسن والحسین علیهما السلام. (التلیدی المغربی، ۱۳۸۸: ۱۶۳؛ تلمسانی، ۱۴۰۲: ۴۳؛ الجزری، بی تا: ۱۷۰ و ۱۹۸؛ قندوزی، بی تا: ۱۸۵/۴)

این توجهات تنها به دلیل ارتباط نسبی نیست، بلکه بیشتر به دلیل اثرگذاری در دین و نقش هدایت‌گری این بزرگواران در بین مسلمین و حفظ دین ناب است و در این میان نقش تفسیری ایشان به عنوان مهم‌ترین منبع وحیانی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. و این نقش بی‌بدیل را می‌توان در حدیث ثقلین (کاتب واقدی، ۱۴۱۸: ۱۷؛ نسائی، ۱۳۸۲: ۹۰؛ سید بن طاووس، ۱۴۰۰: ۲۷۲؛ مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۴۶) مشاهده کرد.

۲. آیات ناظر به شخصیت حضرت حسین علیه السلام

با توجه به شخصیت والای حضرت حسین علیه السلام و نقش هدایت‌گری ایشان، آیاتی از قرآن به شأن و جایگاه حضرت اشاره داشته است. مفسران شیعه و اهل سنت نیز در

تفاسیر خود از آن چشم پوشی نکرده‌اند و نام ایشان را در کنار سایر اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام بیان داشته‌اند. برخی از اهم این آیات عبارتند از:

۱-۲. «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۳۷)

در منابع متعدد تفسیری شیعیان از یکی از دو امام باقر علیه‌السلام یا امام صادق علیه‌السلام، در تفسیر این آیه آمده است:

حضرت آدم علیه‌السلام بعد از خروج از بهشت، گفت: «پروردگارا! جز تو خدایی نیست. پاک و منزه‌ی. تو را سپاس می‌گویم. به خودم بد کردم و به نفس خود ظلم نمودم. مرا ببخش و توبه مرا بپذیر که توبه پذیری». سپس خداوند را این‌گونه مورد خطاب قرار داد: «سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ». (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۶۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۹۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۱۴۸)

همچنین درباره کلماتی که حضرت آدم علیه‌السلام از خداوند فراگرفته در منابع تفسیری اهل سنت، از ابن عباس چنین نقل شده است:

از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدم: «آن کلمات که آدم علیه‌السلام با تمسک به آن‌ها توبه کرد چیست؟» رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «سَأَلَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِلَّا تُبَّتْ عَلَى. فَتَابَ عَلَيْهِ». (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۰۱-۱۰۲؛ سیوطی، بی تا، ۶۱)

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که از منبع وحی سخن می‌گوید، در تفسیر این آیه، آن را به اسماء پنج تن آل عبا علیهم‌السلام - که یکی از آنان هم حسین علیه‌السلام است - تفسیر می‌نماید. این مطلب بیان‌گر آبروی صاحبان اسامی شریف نزد خداوند است. با توجه به اهمیت توبه آدم علیه‌السلام و نقش آن در نظام این عالم، ویژگی کلمات الهی تلقی شده از سوی آدم علیه‌السلام، مضمون این حدیث شریف در ذیل این آیه می‌تواند گویای مقام والای اهل بیت علیهم‌السلام از دیدگاه تفاسیر فریقین باشد.

۲-۲. «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» (آل عمران: ۶۱)

با توجه به تفسیر این آیه که معروف به آیه مباحله است، مفسران فریقین بیان داشته‌اند

که مراد از «أبناءنا» حسن و حسین علیهما السلام است و روایت کرده‌اند:

هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای مباحله می‌آمد، دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفته بود و حضرت فاطمه علیها السلام پشت سر آن بزرگوار و علی علیه السلام نیز پشت سر حضرت زهرا علیها السلام حرکت می‌کرد. اسقف نجران گفت: «یا معشر النصارى إني لأرى وجوها لو سألوا الله تعالى أن يزيل جبلا من مكانه لأزاله فلا تباهلوا فتهلكوا، فأذعنوا» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱/ ۳۴۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/ ۵۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/ ۲۶۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸۵؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۱۱).

این آیه دلالت می‌کند که حسن و حسین علیهما السلام فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و برای تأکید این قول آیه «وَمَنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ. وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى» (انعام: ۸۴-۸۵) را آورده‌اند. با استناد به این آیات حضرت عیسی علیه السلام از جهت مادر به ابراهیم علیه السلام می‌رسد و او را ذریه ابراهیم علیه السلام معرفی می‌کند. پس ثابت می‌شود که به پسر دختر هم «ابناء» می‌گویند (بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/ ۵۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/ ۲۶۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۴۸).

این که امیرالمؤمنین علیه السلام نفس پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده شده و فرزندان بی واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله «أبناءنا» خوانده شدند، در واقع والاترین مقام در نزد خداوند برای آن بزرگواران به شمار می‌آید و هیچ‌کس در جهان خلقت به چنین مقامی مقدور و مقرر نشده است.

۲-۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹)

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید:

وقتی خداوند آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل کرد. من به آن جناب عرضه داشتم: «یا رسول الله! خدا و رسولش را شناختیم. اولی الامر کیست؟ که خدای تعالی اطاعت کردن آنان را دوشادوش اطاعت تو قرار داده؟» فرمود: «ای جابر! آنان جانشینان من اند و امامان مسلمین بعد از من هستند که اولی آنها علی بن ابی طالب علیه السلام، سپس حسن علیه السلام و آن‌گاه حسین علیه السلام و نه تن از فرزندان حسین علیه السلام و در آخر بقیه الله صلوات الله علیهم و یادگار الهی در بین بندگان خداست.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/ ۴۱۱)

از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است:

اولی الامر اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزندان معصوم فاطمه علیها السلام از امامان هستند.
 (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۰۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰۰/۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱۱۲/۲ - ۱۱۳؛ طباطبایی،
 ۱۴۱۷: ۴/۴۱۱)

از این رو اطاعت از اهل بیت علیهم السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله مطابق آیه شریفه واجب است؛ زیرا از سیاق آیه چنین به دست می آید. بنابراین اولی الامر باید معصوم باشد تا اطاعت او مانند اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله که معصوم است، لازم و واجب باشد و این بیان تنها از جهت مصداقی به اهل بیت علیهم السلام متعلق است و چون یکی از معصومین امام حسین علیه السلام است، بنابراین اطاعت از سیدالشهدا علیه السلام به بیان آیه واجب است. جای بسی تأسف است که در برهه‌ای از زمان، از آن دو بزرگوار اطاعت نکردند؛ با این‌که این مقام را می دانستند و آن مظلوم علیه السلام را به شهادت رساندند.

۴-۲. ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ...﴾ (نساء: ۲۹)

ابن عباس در تفسیر این آیه بیان می دارد:

«لَا تَقْتُلُوا»؛ یعنی «لا تقتلوا اهل بیت نبیکم».

وی به آیه مباهله چنین استناد کرده است:

منظور از «أَنْفُسَكُمْ» اهل بیت علیهم السلام است که شامل خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام می شود. «کان ابناء هذه الأمة الحسن و الحسين و کان نساؤها فاطمه و انفسهم النبی و علی». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/۱۶۰؛
 حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۸۱-۱۸۲)

بنا بر تفسیر ابن عباس خداوند از قتل اهل بیت علیهم السلام - که یکی از آن‌ها حضرت حسین علیه السلام است - نهی می کند؛ در حالی که اهل بیت علیهم السلام یکی پس از دیگری به دست بعضی از همین مردم به شهادت رسیده‌اند و شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام در روز عاشورا به حدی مظلومانه بود که شهادت همه اهل بیت علیهم السلام را تحت الشعاع قرارداد. و عجیب این جاست که آن ظالمان این آیات را می خواندند و بعضی از آنان تفسیر آن را به

طور مستقیم از ابن عباس شنیده بودند و قتل آن مظلوم را مباح می دانستند.

۲-۵. «وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء: ۶۹)

در تفسیر این آیه روایات زیادی به این مضمون از راویان مختلف در تفاسیر فریقین نقل شده است. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

نبیین، رسول خدا صلی الله علیه و آله است، صدیقین، علی علیه السلام و شهدا، حسن و حسین علیهما السلام و صالحین، ائمه علیهم السلام و حسن اولئک رفیقاً، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله هستند. (قمی، ۱۳۶۳/۱: ۱۴۲)

با توجه به این آیه حضرت مصادیق را بیان کرده و شهدا را به امام حسن و حسین علیهما السلام تطبیق فرمود که این مطلب خود، مقام شهادت را در حسین علیه السلام تصریح می کند تا بر همگان حقانیت آن بزرگوار از زبان قرآن روشن و ثابت گردد. عبدالله بن عباس نیز در تفسیر آیه می گوید:

«مَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ»؛ یعنی در واجبات باید از خداوند اطاعت کرد و از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله تبعیت نمود. این افراد کسانی هستند که خداوند برای آن ها از «پیامبران»، محمد صلی الله علیه و آله را عطا کرد؛ از «صدیقان»، علی علیه السلام را که اولین تصدیق کننده نبی اکرم صلی الله علیه و آله است و «شهدا»؛ یعنی علی، جعفر، حمزه، حسن علیهم السلام و حسین علیهما السلام را که سادات شهدا هستند و «صالحین»؛ یعنی سلمان، اباذر، صهیب، بلال، خباب و عمار و «حسن اولئک»؛ یعنی یازده امام معصوم علیهم السلام و «رفیقاً»؛ را به بهشتی که در آن علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و امام حسن علیه السلام و حسین علیهما السلام در یک منزل که رسول خدا صلی الله علیه و آله هم در آن منزل است، شامل می شود را تفسیر کرده اند. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹۶-۱۹۷)

بنابراین قسمت اول که مربوط به شهدا بود، معصومین را که یکی از آنان هم حسین علیه السلام است، در کنار دیگر شهدای غیر معصوم آورده و به گونه ای بیان کرده که همه آنان در یک درجه هستند. اما با توجه به آخر روایت درباره واژه «رفیقاً» معلوم می شود که مقام شهدای معصوم از جمله حسین علیه السلام با دیگر شهدا کاملاً متمایز است؛ زیرا خداوند حضرت را در

بهشت در منزلی که خود رسول اکرم ﷺ و علی و فاطمه و حسن علیه السلام در آن جا هستند، توصیف کرده که این امر حاکی از جایگاه والای سرور و سالار شهیدان، اباعبدالله الحسین علیه السلام است.

امام رضا علیه السلام از اجداد خود و از رسول خدا ﷺ چنین روایت فرموده است:

﴿فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ قَالَ: مِنَ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٌ، وَمِنَ الصَّادِقِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَمِنَ الشُّهَدَاءِ حَمْزَةُ، وَمِنَ الصَّالِحِينَ الْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ وَحَسَنٌ وَأُولَئِكَ رَفِيقًا قَالَ: الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ. لَفْظًا سَوَاءً؛

پیامبر ﷺ در تفسیر آیه فرمود: نبیین؛ یعنی محمد ﷺ، صدیقین؛ یعنی علی علیه السلام، شهدا؛ یعنی حمزه، صالحین؛ یعنی حسن علیه السلام و حسین علیه السلام اراده شده و مراد از «حَسَنٌ وَأُولَئِكَ رَفِيقًا» قائم آل محمد ﷺ است. (قمی، ۱۳۶۳/۱: ۱۴۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹۷-۱۹۹)

۲-۶. ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ﴾ (حجر: ۷۵)

مفسران فریقین در ذیل این آیه، روایاتی بیان داشته‌اند، از جمله آن‌ها روایت امام رضا علیه السلام که فرمود:

این آیه در مورد پیامبر ﷺ، علی علیه السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام تا روز قیامت نازل شده است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳/۲۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۷/۱۵۱)

۲-۷. ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ﴾ (مطففین: ۲۲)

امام حسن علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده است:

کلما فی کتاب الله عزوجل من قوله: «ان الابرار» فوالله ما اراد به الاعلی بن ابی طالب و فاطمه و أنا والحسین. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵/۵۳۳ و ۵۲۶ و ۴۳۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۷: ۱۴/۱۷۲ و ۱۸۸)

ابرار کسانی هستند که دارای نفس زکیه بوده و هیچ کاری را جزء صلاح و خیر انجام نمی‌دهند. بنابراین چنین خصوصیتی فقط منطبق بر انوار مقدسه پنج تن آل عبا علیهم السلام است که یکی از آن ابرار، حسین بن علی علیه السلام است و اوست که نفس زکیه و نفس مطمئنه بوده و در کربلا به نفع دین و به صلاح جامعه اسلامی شهادت را با الهی رضاً بقضائک



پذیرفت، تا دین پا برجا بماند (نجفلو، بی تا: ۱۰۴).

۸-۲. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»
(قصص: ۵)

امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام نگاه کرد و گریه کرد و فرمود: «شما مستضعفان پس از من هستید.» پرسیدم: «یا ابن رسول الله! معنای آن چیست؟» فرمود: «معنایش این است که شما ائمه بعد از من هستید که ضعیف شمرده می شوید و این آیه تا روز قیامت بر ما جاری است.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴/۸۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴/۲۴۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۴)

نگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به امامان که از جمله امام حسین علیه السلام و گریه آن حضرت، افزون بر این که مقام شامخ ایشان و محبت بسیار زیاد رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان را می رساند، نوعی سفارش اکید به مسلمین هم به شمار می رود که مسلمین آگاه، متوجه مقام آنان از جمله امام حسین علیه السلام شوند و در هنگام خود به دفاع از آنان برخیزند.

۹-۲. «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف: ۱۵)

در تفسیر علی بن ابراهیم، در ذیل آیه روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

خداوند به رسول خود ولادت حسین علیه السلام را پیش از ولادتش بشارت داد که امامت تا روز قیامت در ذریه این مولود خواهد بود و سپس از شهادت آن بزرگوار خبر داد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله این خبر را به فاطمه علیها السلام بیان فرمود. بنابراین حضرت زهرا علیها السلام، بر حمل خود که حسین علیه السلام بود، کراهت داشت و ناراحتی حضرت زهرا علیها السلام به سبب اطلاع از گذشته شدن فرزندش حسین علیه السلام بود. (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۶۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵/۱۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵/۱۲-۱۱)

می توان گفت کسی که ولادتش، قبل از تولد به وسیله خالق هستی مژده داده شود، دارای شخصیتی بی بدیل خواهد بود. این آیه در مورد ولادت حسین علیه السلام نازل شده است و

روایات بسیاری از علمای شیعه نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۶ / ۲۶۶). بنابراین حسین علیه السلام مورد توجه خدا و رسول صلی الله علیه و آله، و دارای مقام اعلا هستند.

۱۰-۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائدة: ۳۵)

در تفسیر این آیه روایات متعددی نقل شده است. ابن عباس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند:

«در بهشت درجه‌ای است که با وسیله به دست می‌آید پس اگر آن را از خدا مستثنت کردید، مرا وسیله (رسیدن به آن درجه) قرار دهید.» گفتند: «یا رسول الله! چه کسانی با تودر آن مقام هستند؟» فرمود: «علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام با من هستند. یعنی اینان هم مثل من وسیله رسیدن به بهشت هستند.» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۹۵؛ ثعلبی، ۱۳۸۷: ۹۵)

ابن ابی حاتم نیز به اسناد خود از سالم بن ثوبان روایت کرده است:

شنیدم از علی علیه السلام که در بالای منبر کوفه می‌فرمود: «ای مردم! در بهشت دو لؤلؤ وجود دارد: یکی سفید و دیگری زرد رنگ. سفید تا عرش خداوند کشیده شده و آن مقام محمود است که از آن هفتاد هزار غرفه که هر یک از خانه‌های آن سه میل وسعت دارد و غرفه‌های آن و درهای آن از یک عرق هستند و آن برای محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام اوست و زرد رنگ هم مثل آن است و برای ابراهیم علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام اوست.» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۹۵)

عکرمه نیز آورده است:

...هُمُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَعَلِي علیه السلام وَفَاطِمَةُ علیها السلام وَالْحَسَنُ علیه السلام وَالْحُسَيْنُ علیه السلام. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۴۶)

با توجه به این مطالب تمسک به اهل بیت علیهم السلام - که یکی از آن‌ها امام حسین علیه السلام است - همان سفارش ثقل اکبر است تا از ثقل اصغر غافل نباشیم؛ چراکه توجه به آن‌ها خود موجب هدایت بشر است.

۲-۱۱. «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم: ۲۴)

از امام باقر علیه السلام سوال شد: منظور از آیه «أَضْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» چیست؟
فرمود: منظور از «الشَّجَرَةَ»، محمد صلی الله علیه و آله، فرع علی علیه السلام، میوه آن حسن علیه السلام و حسین علیه السلام، شاخه آن فاطمه علیه السلام، شعب آن شاخه، ائمه از فرزندان اوست و برگ آن شیعیان و محبین ما اهل بیت علیهم السلام هستند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳ / ۸۵)

ابن عباس نیز روایت می کند:

جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «تویی آن درخت، علی علیه السلام شاخه آن و فاطمه علیه السلام برگ آن و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام میوه آن هستند.» (ثمالی، ۱۴۲۰: ۲۲۲)

در این روایت حسنین علیهم السلام را میوه درخت طیب معرفی می کند؛ زیرا حسنین علیهم السلام میوه دل پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره می فرمود:

أَنَا شَجَرَةٌ وَفَاطِمَةٌ فَرْعُهَا وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَحَسَنٌ وَحُسَيْنٌ ثَمَرُهَا، وَمُحِبُّوهُمْ مِنْ أُمَّتِي وَرَفِئُهَا ثُمَّ قَالَ: هُمْ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۰۶-۴۰۹)

۲-۱۲. «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يَبْعَثُ حَيًّا» (مریم: ۱۵)

ابن عساکر در تفسیر این آیه چنین روایت کرده است:

مَا بَكَتِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ إِلَّا عَلَىٰ يَحْيَىٰ بْنِ زَكْرِيَّا وَالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَحَمْرَتِهَا بَكَاءُهَا (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۲۰؛ سیوطی، بی تا: ۲۶۴)

این به سبب مظلومیت آن دو بزرگوار است؛ زیرا هر دو به دست بدترین و شقی ترین افراد روی زمین به شهادت رسیدند. این از جایگاه والای حسین علیه السلام است که ایشان را از مصادیق آیه که خداوند در روز شهادتش سلام و درود می فرستد، به شمار آورده است.

همچنین با توجه به آیه «وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا» (مریم: ۵۳) هشام بن سالم می گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «یا ابن رسول الله! امام حسن علیه السلام افضل است یا امام حسین علیه السلام؟» فرمود: «امام حسن علیه السلام افضل از امام حسین علیه السلام است.» گفتیم: «پس چرا امامت در صلب امام حسین علیه السلام قرار گرفته است؟» فرمود: «خدای متعال سنت موسی علیه السلام و هارون علیه السلام را در امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام جاری نمود. موسی علیه السلام و هارون علیه السلام هر دو در نبوت شریک بودند، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام نیز در امامت شریک هستند. همان طور که با برتری موسی علیه السلام نسبت به هارون علیه السلام، خداوند نبوت را در فرزندان هارون علیه السلام قرار داد، امامت را نیز با وجود برتری امام حسن علیه السلام در صلب امام حسین علیه السلام قرار داد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵/۲۴۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳/۳۴۱ و ۳۷۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴/۸۵۳)

۲-۱۳. «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳)

در تفسیر این آیه که به آیه تطهیر معروف است، روایات بسیار زیادی از مفسران فریقین به طور متواتر وارد شده است. ام السلمه می گوید:

فی بیتی نزلت «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» وفي البيت فاطمة عليها السلام و علی عليه السلام و الحسن عليه السلام و الحسين عليه السلام فجلبهم رسول الله صلى الله عليه وآله بكساء كان عليه ثم قال هؤلاء اهل بيتي فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا». (ألوسی، ۱۴۱۵: ۱۹۵؛ یانی پتی، ۱۴۱۲: ۳۴۰)

ابن جریر و ابن ابی حاتم و طبرانی از سعید خدری از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کرده اند: این آیه در حق من، علی عليه السلام، فاطمه عليها السلام، حسن عليه السلام و حسین عليه السلام نازل شد. ابن ابی شیبیه، احمد، مسلم، ابن جریر، ابن ابی حاتم و حاکم از عایشه روایتی را شبیه این روایت نقل کرده اند. عایشه گفت:

زیر لباس پشمین (عبا) جمع شدند و رسول خدا صلى الله عليه وآله آیه تطهیر را خواند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۶۷-۳۶۸؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۶۳۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۶۲)

ابن طاووس و فخر رازی نیز معتقدند:

آل محمد صلى الله عليه وآله آن هایی هستند که تأویل امور آن ها به محمد صلى الله عليه وآله و هریک از آنان

به پیامبر ﷺ نزدیک تر باشد، اطلاق آل به او کامل تر است و شکی نیست که فاطمه علیها السلام، علی علیه السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام شدیدترین تعلقات را به پیامبر ﷺ دارند و این مطلب با نقل متواتر ثابت است. پس واجب است که آنان آل محمد صلی الله علیه و آله باشند. (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۵۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۹۵)

بنابراین آیه تطهیر در حق پنج تن آل عبا علیهم السلام نازل شده است. این فضیلت والای اهل بیت علیهم السلام که اهل سنت نیز به آن تصریح می کنند، نشان از منزلت خاص اهل بیت علیهم السلام در نزد آنان است که یکی از آنان حسین علیه السلام است.

۲-۱۴. ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾ (ذاریات: ۱۷)

از ابن عباس در تفسیر آیه نقل است:

نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَالْحُسَيْنِ علیه السلام وَالْحُسَيْنِ علیه السلام وَفَاطِمَةَ علیها السلام، وَكَانَ عَلِيٌّ يَصَلِّي ثُلثِي اللَّيْلِ الْأَخِيرِ، وَيَتَامُ الثُّلُثُ الْأَوَّلَ، فَإِذَا كَانَ السَّحَرُ جَلَسَ فِي الْإِسْتِغْفَارِ وَالِدُعَاءِ، وَكَانَ وَرْدُهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ سَبْعِينَ رَكْعَةً خَتَمَ فِيهَا الْقُرْآنَ. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۶۸)

اگرچه در این روایت عبدالله بن عباس عبادت امیرالمؤمنین علیه السلام را یادآور می شود، ولی با توجه به این که آیه درباره هر چهار بزرگوار نازل شده است، پس باید عبادت را هم به همه آن ها تعمیم داد. چون سیاق آیه کلی است و نمی توان آن را بدون قرینه تخصیص داد. مشهور است که اهل بیت علیهم السلام در هر شبانه روز بسیار عبادت می کردند. (بستی سجستانی، ۱۳۷۹: ۶۱)

حسین علیه السلام شب عاشورا در کربلا مهلت می گیرد تا آن شب را به نماز و دعا و تلاوت قرآن بگذراند و می فرماید:

خدا می داند چقدر نماز و قرآن و دعا را دوست دارم. (ابن کثیر، بی تا: ۱۷۶)

۲-۱۵. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾ (طون: ۲۱)

ابن عباس می گوید:

آیه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ﴾ در حق پیامبر ﷺ و علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام نازل شده است. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۷۰)

عبدالعزیز بن یحیی نیز همین روایت را عیناً از ابن عباس نقل کرده است:

الآیة، فی النَّبِيِّ ﷺ وَعَلِيٍّ ؑ وَفَاطِمَةَ ؑ وَالْحَسَنَ ؑ وَالْحُسَيْنَ ؑ. (حسکانی، ۱۴۱: ۲۷۱)

با توجه به این آیه اهل بیت علیهم السلام از ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده و این ذریه به معنای ذریه معمول نیست؛ چراکه اگر در معنای معمول به کار می‌رفت قاعدتاً دیگر بچه‌های پیامبر را هم شامل می‌شد. در حالی که گفته‌اند فقط در حق این افراد خاص نازل شده و این شأنی است که دیگر ذریه را شامل نمی‌شود. از الحاق فرزندانشان به آن‌ها در نیز معلوم می‌شود که درجه این فرزندان در بهشت بسیار بالا و عالی است؛ زیرا با پیامبر صلی الله علیه و آله خواهند بود و این درجه از بهشت قطعاً برای معصومین علیهم السلام خواهد بود که این حاکی از مقام عصمت ایشان و جایگاه ویژه است.

۲-۱۶. ﴿وَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ﴾ (بلد: ۳)

امام باقر علیه السلام در ذیل این آیه می‌فرماید:

مراد از «والد» امیرالمؤمنین علیه السلام و مراد از «وما ولد» حسن علیه السلام و حسین علیه السلام است. (حسکانی، ۱۴۱: ۴۳۰)

با توجه به این که برای قسم یاد کردن لازم است مورد قسم، قداست و مقام بسیار والایی داشته باشد و قطعاً آن چیز جایگاهی خاص دارد. در این آیه خدا به علی علیه السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام قسم یاد می‌کند تا شأن و عظمت این عزیزان را که یکی از آن‌ها حسین علیه السلام است، بیان نماید.

۲-۱۷. ﴿يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ﴾ (الرحمن: ۲۲)

علامه طباطبایی می‌نویسد:

ابن مردویه از ابن عباس نقل کرده است: «مرج البحرين يلتقيان» علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام است. «بینهما برزخ لا یبغان» پیامبر صلی الله علیه و آله است. «یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان» حسن علیه السلام و حسین علیه السلام است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۰۳)

از امام صادق علیه السلام نیز ذیل این آیه نقل شده است که فرمود:

علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام دودریای عمیق از علم هستند که هیچ کدام بر صاحبش طغیان نمی کند. «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْثُ وَالْمَرْجَانُ» حسن علیه السلام و حسین علیهما السلام هستند.
(قمی، ۱۳۶۳: ۲/۳۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳۳/۲۳)

۲-۱۸. ﴿وَالشَّفَعِ وَالْوَثْرِ﴾ (الفجر: ۳)

امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه می فرماید:

اقرووا سورة الفجر في فرائضكم ونوافلكم، فاتها سورة الحسين بن علي علیهما السلام، من قرءها كان مع الحسين علیهما السلام في درجته من الجنة إن الله عزيز حكيم. (قمی، ۱۳۶۳: ۲/۴۱۹)

۲-۱۹. ﴿وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾ (صافات: ۱۰۷)

مفسران در شرح آیه روایتی نقل کرده اند که فضل بن شاذان می گوید:

شنیدم از امام رضا علیه السلام که می فرمود: «زمانی که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام امر فرمود که به جای اسماعیل علیه السلام قوچی را ذبح کند، ابراهیم علیه السلام از خدا خواست که به دست خودش فرزندش را ذبح نماید تا به بالاترین درجه اهل ثواب (صابرین به معصیت) برسد. خداوند به او وحی فرمود: یا ابراهیم! چه کسی از خلقم در نزد تو دوست داشتنی است؟ عرض کرد: هیچ یک از خلق تو نزد من به اندازه حبیبیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دوست داشتنی نیست. فرمود: ای ابراهیم! او نزد تو دوست داشتنی است یا خودت؟ عرض کرد: او در نزد من از خودم دوست داشتنی تر است. فرمود: فرزند او در پیش تو دوست داشتنی است یا فرزند خودت؟ عرض کرد: خدایا! فرزند او. فرمود: فرزند او با ظلم و به دست دشمنان ذبح شود دلخراش است یا فرزند تو که به دست خودت به خاطر اطاعت من ذبح شود؟ عرض کرد: خداوند! البته اگر فرزند او به دست دشمنان ذبح شود، برای من دلخراش تر است. فرمود: ای ابراهیم! گروهی که خیال می کنند از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند، سر فرزندش حسین علیه السلام را با ظلم و عداوت از بدن جدا می کنند و موجب خشم من می شوند. ابراهیم علیه السلام گریه کرد. خداوند فرمود: ای ابراهیم! اگر اسماعیل را ذبح می کردی و دلت می سوخت درجه ای را به تو می دادم. به خاطر گریه بر حسین علیه السلام که دلت به

مظلومیت اوسوخت و تورا به گریه در آورد، بهترین و بالاترین درجات صابرین به معصیت را به تو عطا کردم و این همان قول خداوند است که فرمود: ﴿وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾. (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۴۸۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۷۹/۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۱۹/۴)

با توجه به روایت امام رضا علیه السلام که در شرح آیه مذکور آمده، به شهادت امام حسین علیه السلام و مظلومیت آن بزرگوار تصریح شده و این خود دلیل بر فضیلت حضرت و مقام والای ایشان است. علاوه بر شهادت آن بزرگوار، به ثواب گریه و عزاداری آن امام مظلوم هم تصریح می‌کند؛ چراکه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در راه دین و به خاطر احیای سنت نبوی در کربلا به وسیله بدترین افراد روی زمین به شهادت رسید و ثواب عزاداری بر آن بزرگوار بنا بر روایت فوق، ثواب ذبح اسماعیل را دارد؛ چراکه او ذبح عظیم است.

نتیجه

به دلیل شأن و منزلت والای حسین بن علی علیه السلام، آیات متعددی در قرآن کریم به شخصیت و جایگاه ایشان اشاره دارد به گونه‌ای که مفسران شیعه و اهل سنت نیز به این مقام والا اعتراف کرده‌اند. یافته‌های پژوهشی تحقیق حاضر عبارتند از:

۱. در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به اذعان مفسران فریقین، در مواقع مختلف، حتی قبل از ولادت ایشان، به شخصیت والای حسین علیه السلام توسط مقام رسالت اشاره و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سفارش آن بزرگوار را به عناوین مختلف نموده یا عظمت او را به گوش مردم رسانده و با بیانات مختلف نقش ویژه ایشان را در سعادت بشری یادآور شده‌اند.
۲. متناسب با موضوعات مختلف، آیات مختلفی در شأن حضرت حسین علیه السلام تفسیر، تأویل و یا تطبیق شده که به عظمت ایشان اشاره دارد.
۳. منزلت و شخصیت حسین بن علی علیه السلام به حدی در جامعه آن زمان آشکار شده که مفسران فریقین در تفاسیر خود، آیات مزبور را آورده و در شأن ایشان علیه السلام تفسیر کرده‌اند و روایات مربوط به آیه را که بخش عظیمی از آن‌ها متواتر یا نزدیک به تواترند و از طرق مختلف نقل شده‌اند را بیان داشته‌اند؛ به طوری که با تمام اختلافاتی که در برخی تفاسیر



فریقین وجود دارد، از جهت مضمون روایات اختلاف چندانی وجود ندارد. این امر حاکی از نقش برجسته حضرت امام حسین علیه السلام در متون تفسیری فریقین است. بررسی شخصیت و منزلت حسین بن علی علیه السلام و انطباق آن با آیات قرآن، ضمن معرفی مقام والای امام حسین علیه السلام، الگو محوری ایشان در زندگی افراد جامعه اسلامی را تقویت کرده و چگونگی دستیابی به کمال و سعادت الهی را برای افراد ترسیم می نماید.

منابع

- ابن بابويه، محمد بن علي (١٣٩١)، *علل الشرايع*، قم، انديشه هادي.
- _____ (١٤٠٤)، *عيون اخبار الرضا عليه السلام*، بيروت، الأعلمي للمطبوعات.
- ابن جوزي، عبدالرحمن (١٤٢٢)، *زاد المسير في علم التفسير*، بيروت، دارالكتاب العربي.
- ابن طاوس، علي بن موسى (١٣٤٨)، *لهوف*، تهران، انتشارات جهان.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤١٩)، *تفسير القرآن العظيم*، بيروت: دارالكتب العلميه.
- استرآبادي، علي (١٤٠٩)، *تأويل الآيات الظاهره في فضائل العتره الطاهره*، قم، جامعه المدرسين.
- اسماعيل بن كثير، عماد الدين (بي تا)، *البدايه والنهايه*، بيروت، مكتبه المعارف.
- آلوسي، محمود بن عبدالله (١٤١٥)، *روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني*، بيروت، دارالكتب العلميه.
- بحراني، سيد هاشم (١٤١٦)، *البرهان في تفسير القرآن*، تحقيق: قسم الدراسات الاسلاميه، قم، مؤسسه البعثه.
- بغوي، حسين بن مسعود (١٤٢٠)، *معالم التنزيل*، بيروت، دارالاحياء التراث العربي.
- بلاذري، احمد بن يحيى (١٤١٧)، *انساب الاشراف البلاذري*، بيروت، دارالفكر.
- بيضاوي، عبدالله بن عمر (١٤١٨)، *أنوار التنزيل وأسرار التأويل*، تحقيق: محمد عبدالرحمن مرعشي، بيروت، داراحياء التراث العربي.
- پاني پتي، ثناء الله (١٤١٢). *التفسير المظهرى*، باكستان، مكتبه رشديه.
- تلمساني، محمد بن ابى بكر (١٤٠٢)، *الجوهرة في نسب الامام على عليه السلام* دمشق، مكتبه النورى.
- التليدى المغربى، عبدالله بن عبدالقادر (١٣٨٨)، *الأنوار الباهرة*، تهران، مجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الاسلاميه.
- ثعلبي، احمد بن محمد (١٤٢٢) *الكشف والبيان*، بيروت، دار إحياء التراث.
- ثمالى، ابوحمزه (١٤٢٠)، *تفسير القرآن الكريم (ثمالى)*، بيروت، دارالمفيد.



- الجزري، محمد بن محمد (بي تا)، المطالب في مناقب الإمام علي عليه السلام، تهران، نقش جهان.
- حراني، عبدالله بن نورالله (١٤٢٩)، عوالم العلوم والمعارف، قم، مؤسسه الامام المهدي عليه السلام.
- حسكاني، عبيدالله بن عبدالله (١٤١١)، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تهران، وزارت ارشاد.
- حلي، جعفر بن محمد بن نما (١٤٠٦)، منير الاحزان، قم، مدرسه الامام المهدي عليه السلام.
- حموي، محمد بن اسحاق (١٣٦٣)، انيس المؤمنين الحموي، تهران، بنياد بعثت.
- سيد بن طاووس (١٤٠٠)، الطوائف في معرفة مذاهب الطوائف، قم، انتشارات خيام.
- سيوطي، جلال الدين (بي تا)، الدر المشورفي تفسير الماثور، قم، كتابخانه آيه الله مرعشي نجفي.
- شوشترى، نورالله (١٤٠٩)، احقاق الحق، قم، كتابخانه آيه الله العظمى مرعشي نجفي.
- طباطبائي، محمد حسين (١٤١٧)، الميزان في تفسير القرآن، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه.
- طبرسي، فضل بن حسن (١٣٧٦)، اعلام الوري، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث.
- طبري، عمادالدين حسن بن علي (١٣٧٦)، تحفة الأبرار، تهران، ميراث مكتوب.
- طبري، محمد بن جرير (١٤١٢)، جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دارالمعرفه.
- العروسي حويزي، عبد علي بن جمعه (١٣٨٣)، تفسير نور الثقلين، قم، دارالتفسير.
- عكبري بغدادى، محمد بن محمد بن نعمان (١٤٢٦)، الارشاد، قم، انتشارات محبين.
- عياشى، محمد بن مسعود (١٣٨٠)، تفسير العياشى، تهران، چاپخانه علميه.
- فخر رازي، محمد بن عمر (١٤٢٠)، مفاتيح الغيب، بيروت، دارالاحياء التراث العربى.
- فيض كاشاني، محمد بن مرتضى (١٤١٥)، تفسير الصافي، تهران، مكتبة الصدر.
- (١٤٠٦)، السوفى، اصفهان، مكتب الامير المؤمنين

علي عليه السلام.

- قرطبي، محمد بن احمد (١٣٦٤)، الجامع الحكام، تهران، ناصر خسرو.
- قمى مشهدى، محمد بن محمد رضا (١٣٦٨)، تفسير كنز الدقائق وبحر الغرائب، تهران، وزارت ارشاد اسلامى.
- قمى، ابن قولويه (١٣٨٤)، كامل الزيارات، تهران، پیام حق.
- قمى، على بن ابراهيم (١٣٦٣)، تفسير القمى، قم، دارالكتاب.
- قندوزى، سليمان بن ابراهيم (بى تا)، ينابيع المودة لدوى القربى، قم، اسوه.
- كاتب واقدى، ابن سعد (١٤١٨)، طبقات الكبرى، بيروت، دارالكتب العلمية.
- كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق (١٣٦٩)، الكافى، تهران، كتابفروشى علميه اسلامى.
- كوفى، ابن عثم (١٤١١)، الفتوح، بيروت، دارالأضواء.
- كوفى، فرات بن ابراهيم (١٤١٠)، تفسير فرات الكوفى، تهران، مؤسسه الطبع والنشر.
- مجلسى، محمد باقر (١٤٠٣)، بحار الأنوار، بيروت، مؤسسه الوفاء.
- _____ (١٣٨٢)، جلاء العيون، قم، نشر سرور.
- مسعودى، على بن حسين (١٤٢٦)، اثبات الوصية للإمام على بن أبى طالب عليه السلام، قم، انصاريان.
- ميبدي، ابوالفضل رشيد الدين (١٣٧١)، كشف الاسرار، تهران، اميركبير.
- نجفلى، محمود (بى تا)، امام حسين در تفاسير، قم، كتابخانه آيه الله بروجردى.
- نسائى، احمد بن شعيب (١٣٨٢)، خصائص أمير المؤمنين، قم، بوستان كتاب.

